

هشدار در برابر

جنگ افروزی امپریالیسم

اظهاریه رفیق مائوتسه دون (۲۰ مه ۱۹۷۰) ادعا -
 نامه‌های تاریخی در افشا جنایات امپریالیسم امریکا و شرکاء
 اوست که پس از جنگ دوم جهانی هیچگاه از مبادرت بجنگ های
 تجاوزکارانه باز نایستاده اند . لشکرکشی ر اهزنانه به کوره ،
 کنگو ، لبنان ، ویتنام ، سن دمنیک ، وغیره ، تعبیه ده ها کودتای
 ارتجاعی و فاشیستی (نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در
 ایران و کودتای سپتامبر ۱۹۶۵ در اندونزی) و صدها توطئه
 خونین دیگر گواه صحت و قوت این ادعا نامه است .

اظهاریه رفیق مائوتسه دون ندای آماده باش در برابر
 تهاجم امپریالیستی است . امپریالیست ها هر آنگاه که در تدارک
 جنگ جدید انداز صلح سخن میگویند و هر آنگاه که دشمن خویش
 را آب میدهند افسانه خلع سلاح میخوانند . اغفال خلق ها
 شرط مهم جنایتکاری امپریالیست ها است ، و امپریالیسم امریکا
 در این کار همدست نقابداری مانند رویزیونیست های شوروی دار
 که سالهاست بنام " همزیستی مسالمت آمیز " ، " جهان بدون
 سلاح و بدون جنگ " ، " جهان صلح پایدار " بفریب خلاق
 مشغول اند . در اینجاست که صدای نیرومند رفیق مائوتسه دون
 طنین می افکند : " خطر جنگ جهانی جدید همچنان باقی است
 و خلق های کیتی باید برای آن آماده باشند " . رفیق مائوتسه -
 دون می آموزد : از دوحا ل خارج نیست . یا انقلاب از جنگ
 جلو میگردد و یا جنگ باعث انقلاب میشود .

اما پیروزی با خلق های کیتی است . لنین کبیر میگفت :
 امپریالیسم غولی است با پاهای گلین ، و رفیق مائوتسه دون میگوید
 " امپریالیسم امریکا قیافه غول دارد . ولی در واقع چیز دیگری جز
 ببر کافدی نیست و نمیدانه در تلاش است " .

رفیق مائوتسه دون پیشوای خلق چین و رهبر پرلناریا و
 خلق های جهان پشتیبانی مجدانه خود را از اعلامیه مشترک
 سران خلق های هندوچین و از دولت جبهه واحد ملی کامبوج
 اعلام میدارد و اطمینان میدهد که " خلق های سه گانه "
 هندوچین با تحکیم وحدت خویش ، پشتیبانی و کمک متقابل
 یکدیگر ، با پایداری در جنگ توده ای طولانی خواهند توانست
 بر همه دشواری ها غلبه کنند و پیروزی کامل بدست آورند .

رفیق مائوتسه دون تاکید میکند که " گرایش عمده
 در جهان امروز ، انقلاب است " وندامیزند : " خلق های جهان
 برای برانداختن تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها متحد شوید "
 اظهاریه رفیق مائوتسه دون الهام بخش همه خلق
 های جهان و از آن جمله خلق کشور ماست . کشور ما در اثر
 حکومت چاکران امپریالیسم که محمد رضا شاه در رأس آنها قرار
 دارد به پایگاه اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیسم و پیروزه
 امپریالیسم امریکا بدل شده است . امپریالیسم امریکا رژیم
 کودتا را برای سرکوب جنبش انقلابی خلق ایران و سایر خلق -
 های خاورمیانه مسلح میگردد و در این اندیشه است که رژیم
 کودتا در جنگ جهانی احتمالی آینده در رکاب وی شمشیر
 خواهد زد . قرارداد نظامی ایران و امریکا " مورخ ۱۴ اسفند
 ۱۳۳۷) که از حلقه های زنجیر اسارت ملی ماست دو هدف
 اساسی دارد : یکی حفظ رژیم کودتا و دیگر حفظ امپریالیسم
 امریکا در ایران . قرارداد مذکور از " منافع ملی " امریا -
 لیسم امریکا در ایران و از " مقاومت در مقابل تجاوز مستقیم و غیر
 مستقیم " بر ایران سخن میگوید . " منافع ملی " امپریالیسم
 امریکا در ایران روشن است : استثمار ایران ، استثمار خلق
 زحمتکش ایران . هر نیروی ملی و دموکراتیکی که مستقیم یا
 غیر مستقیم ، از داخل یا از خارج با رژیم دست نشانده محمد
 رضا شاه در تصادم افتد اقدامش در زبان امپریالیسم امریکا
 تجاوز نام دارد و در این صورت - طبق بقیه در صفحه ۲

سروته یک کرباس

سازمان امنیت را این بار به فتوای " مائوتیست ها " نیاز افشا ده
 برای آنکه از یکسو ثابت کند که حتی " انقلابیون " و " مائوتیست -
 ها " هنگامی که در برابر واقعیات قرار میگیرند بناچار " انقلابی "
 شاهانه را تایید میکنند و از سوی دیگر اینگونه وانمود سازد
 که آنهایی که خود را انقلابی و طرفدار مبارزه مسلحانه می -
 نمایانند در واقع مردمانی جبون و زبونند ، در سخن از انقلاب
 فخرآمیز دم میزنند ولی آنگاه که پای آزمایش بمیان میآید راه
 تسلیم بدشمن در پیش میگیرند . سازمان امنیت خیانت این فرو
 مایگان را برجسته میکند برای آنکه در صفوف عناصر انقلابی و
 وفادار به مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتزلزل و آشفتگی
 پدید آورد و آنها را از مبارزه منحرف و دلسر گرداند . هدف
 اساسی سازمان امنیت از این صحنه سازیها ، مبارزه با افکار
 انقلابی و پیروزه مبارزه با کمونیسم است ، مبارزه با آن نیروی
 رشدیابنده ای است که نه تنها ثبات بلکه حیات رژیم را هم
 تهدید میکند .

اما همانطور که انتظار میرفت بهره برداری از خیانتیان
 عناصر در انحصار سازمان امنیت و شاه باقی نماند . رویزیونیست
 های حزب توده ایران نیز فرصتی یافتند تا ناجوانمردانه به
 مارکسیست - لنینیست ها و پیروان اندیشه مائوت بنزاند
 و خیانت عناصری چند را دلیل حقانیت خود بشمارند .
 در گذشته رویزیونیست ها " سازمان انقلابی " را که ازها
 آغاز لانه عمل رویزیونیست و سازمان امنیت گردید و همچنین
 خط مشی کاستریستی آنها " مائوتیست " نامیدند برای آنکه
 با استفاده از انحرافات بیحد و حساب آن ، اندیشه مائوتسه -
 دون را در زیر حملات خویش بگیرند . اکنون نیز خیانت تنسی
 چند از افراد این سازمان را وسیله حمله و هجوم به وفاداران
 مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوت قرار داده اند .

ارزیابی ما از " سازمان انقلابی " بر خوانندگان توفان
 پوشیده نیست . ما این سازمان را از روی خانتی که افراد آن
 مرتکب شده و میشوند قضاوت نمیکیم همچنانکه ملاک ارزیابی ما
 از حزب توده ایران خیانت بهرامی ها ، یزدیها ، شریفی ها و
 دیگران نیست . ما " سازمان انقلابی " را از آنجهت مطرودمی -
 دانستیم که از همان آغاز بعلت انحرافات بقیه در صفحه ۲

خود فروشی و خیانت عناصری فرومایه وسیله ای بدست
 سازمان امنیت داد تا به صحنه سازیهای تازه ای بپردازد . منظور
 از این صحنه سازیها اینست که از زبان این عنلهر حکومت فروخته
 به مردم ایران و جهان اعلام دارد که " انقلاب شاهانه " جامعه
 ایران را درگون ساخته ، مناسبات فتودالی را از روستای ایران
 برافکنده ، برای دهقانان زندگی نو آفریده ، ایران را در شاهرا
 صنعتی شگرفی انداخته ، سیاست مستقل و ملی در پیش گرفته یا
 بطور خلاصه از ایران نیمه مستعمره و نیمه فتودال کشوری مستقل
 و شرقی پدید آورده است . اگر نیروهای انقلابی از ایران بشابه
 کشوری نیمه مستعمره و نیمه فتودال سخن میرانند ، " انقلابات
 شاهانه " را جز تحکیم زنجیر اسارت خلق ما ، تشدید غارت
 ثروتهای سرزمین ما از جانب امپریالیسم ، تشدید استثمار
 زحمتکشان میهن ما یا بعبارت دیگر جز خیانت به مصالح و منافع
 خلق ایران نمیدانند گویا بخاطر آنست که از واقعیت دور ،
 آمار در اختیار ندارند ، در زندان به بررسی نتایج حاصل از
 " انقلابات شاهانه " ننشسته اند . هر کس که خود را در اختیار
 سازمان امنیت بگذارد و خدمت شاه خائن در آید بیکیسار
 از " عالم غیب " حقایق بر او مکتوف میگردد ، از " پندارهای
 واهی " بیرون میآید و بدنیای واقعیات فرومی افتد و آنگاه
 پیشوایانشان میتوانند طی پیامی که انتشار آنرا از سازمان امنیت
 میخواهد " حقایق مکتوفه " را برای دوستان و دانشجویان
 بازگو کند و آثار آنرا به تسلیم در برابر رژیم دعوت نماید . خائن
 همه را به کیش خود پندارد ، او گویا نمیداند که پیام سازمان امنیت
 ولو آنکه از دهان " نیکوواهی " برآید پیام سازمان امنیت است
 و نفرت همگانی بدرقه آن . تقریرات و تحریرات تسلیم شدگان
 به شاه نشانه قوت و حقانیت رژیم نیست ، نشانه ضعف و سوج
 بودن ادعاهای آن است .

در گذشته رجال سرشناسی مانند جانسون ، نیکسون ،
 پادگورنی ، برزف ، کاسکین ، دوگل و . . . بوفور اقدامات رژیم
 و " رهبری شاهنشاه " را ستوده اند و اکنون نیز می ستایند .
 پس چگونه است که سازمان امنیت اکنون دست بدامان افرادی
 خود فروش کفنام زده است تا آنچه را که دشمنان خلق ایران
 گفته اند با تفصیل بیشتری تکرار کنند ؟ دلیل آن روشن است :

دو دشمن بزرگ خلق های جهان

و ضد لنینی در پیش گرفته اند ، فعالیت آنها توجه تلاشی
 اردوی سوسیالیستی و پیمان ورشو است ، با نیروهای امریا -
 نیستی همگام اند ، بصورت جانشینان سرکردگان آلمان هیتلری
 درآمده اند . . .

در هنگامیکه امپریالیسم (امپریالیسم امریکا و نیز انگلستان
 و فرانسه) بتجاوز به سرکوب ، به غارت و به چپاول آسیا ،
 افریقا و امریکای لاتین و حتی برخی از کشورهای اروپا مشغول است
 چین توده ای و حزب کمونیست آن را جانشین آلمان هیتلری
 قلمداد کردن بمعنای آنست که دشمن شماره ۱ سوسیال امیر -
 یالیسم روسیه ، امپریالیسم نیست بلکه سوسیالیسم ، و در رجه
 اول در عمده " سوسیالیسم یعنی چین است " .

" تلاشی پیمان ورشو؟ " - دریر زمانی است که این پیمان
 بصورت رویوشی برای سلطه " سوسیال امپریالیسم روس بر اروپای
 شرقی درآمده است ، همانطور که پیمان آتلانتیک شمالی تا مین
 کننده استیلای امریکا بر اروپای غربی است .

" تلاشی اردوی سوسیالیستی؟ " - دریر زمانی است که
 خروشچف شماره ۱ و خروشچف شماره ۲ (برزف) همقطاران
 ضعیف تر خود ، مانند مغولستان ، را ضایف و ساده مستعمره
 خویش ساخته اند ، بسیاری از این کشورها را باشغال نظامی
 مداوم خود در آورده اند (مانند بلغارستان ، لهستان ،
 مجارستان و مغولستان) ، پرورد رومانی و سایر کشورها به
 تهدید سیاسی و شانناژ اقتصادی دست میزنند .

در مورد " آلمان هیتلری " - باید بخاطر داشت که
 چک اسلواکی در عرض سی سال دو بار مورد تهاجم قرار گرفته
 است : یک بار بوسیله هیتلر و بار دیگر بوسیله برزف .
 وضعا برای استحضار خاطر " چپ فرید استالینی " متذکر
 میشوم که استالین همچنین شیوه هائی دست نزد پیروزه در مورد
 یوگوسلاوی تیتیست .
 بقیه در صفحه ۳

ترجمه از هفته نامه " هومانیته " سرخ " نشریه مارکسیستها ،
 لنینیستهای فرانسه شماره ۴۲۸ مه ۱۹۷۰ - بتلخیص

از ۱۸ مارس خلق کامبوج با دارودسته فاشیست و نژاد
 پرست لئون نول - سیریک مانتاک که بوسیله اداره جا -
 سوسی امریکا براریکه قدرت نشانده شده در نبرد است . . .
 از ۲۰ آوریل دولت اتحاد ملی کامبوج که تحت صدارت
 سیانسوک ، نیروهای انقلابی و میهن پست کامبوج را گرد آورده
 از طرف بیش از سی کشور ، از جمهوری توده ای چین ، تا آلبانی
 از یوگوسلاوی تا یمن ، از کنگو تا جمهوری سده عرب ، از
 گویا تا کره شمالی و رومانی ، برسمیت شناخته است . ولی در
 این مدت تزارهای جدید سوسیال امپریالیست مسکوف کرده اند ؟
 آنها چند جمله ای در " پشتیبانی " از خلق کامبوج
 گفتند و یا نوشتند ، و چند دشنامی به نیکسون تار کردند . . .
 و همین !

اما دولت اتحاد ملی کامبوج را برسمیت شناختند .
 سفیر آنها در فنوم پین بر میبرد و همقطارانن همچنان در
 بانک کوك ، کوالالمپور و جاکارتا نشسته اند (باید گفت که شوروی
 در جاکارتا فقط دیپلمات ندارد . رایزن نظامی نیز دارد که
 همراه با امریکائیها در کارزارهای ضد کمونیستی شرکت
 میکنند) . . .

معدلت تزارهای جدید سوسیال امپریالیست مسکویکار
 نشسته و بابتکار سیاسی مهمی دست زده اند باین معنی که
 کارشناسان دروغ پرانی آنها با هم بانوشتن مقاله ای در روزنامه
 " پرورد " (۱۸ ماه مه) آتش خویشرا توجه جمهوری توده ای
 چین ساخته اند . هرچه وضع داخلی و بین المللی اتحاد
 شوروی سوسیال امپریالیستی وخیمتر میشود مدعیات دارودسته
 رهبریش هذیان آمیزتر میگردد . . .
 پروردآ مینویسد : " رهبران یکن سیاستی ضد توده ای

درود پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

سروته يك كراس بقیه از صفحه ۱
 آید تلوویژن، سیاسی و
 تشبندی خود و بیعت نفوذ عمال دشمن در مقامات بالای آن
 در خدمت ریزیونست ها و سازمان امنیت قرار داشت .
 " سازمان انقلابی " با آنکه چپ و راست از اندیشه " مائو
 در میزند در واقع آلتی است در دست ریزیونست و ارتجاع
 بر ای مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون ،
 برای جلوگیری از احیای " حزب طبقه کارگر و جلوگیری از مبارزه با
 ریزیونست و سوسیال امپریالیسم . دشنام ها ، اتهامات و تشنیع
 های آن علیه سازمان توفان تصادفی نیست . و باید از عیان
 کرد که این سازمان در انجام وظیفهای که بدو محول گردیده
 نهایت کوشش را بکار برده است و با ایدئولوژی ، سیاست و شیوه
 تشکیلاتی ضد انقلابی خود تاکنون خدمات شایانی به ریزیون-
 سیسم و ارتجاع کرده است . پیوستن افرادی از این سازمان به
 دشمن نخستین خیانت این سازمان نیست ، آخرین آن نیز
 می باشد .

اما معلوم نیست گجای خیانت افرادی از این سازمان
 در جبهه حقانیت ریزیونست ها و نشان وفاداری آنها به مارکسیسم -
 سیسم است ؟ مگر نه اینست که این افراد به تکرار همان حرفی
 هائی پرداخته اند که ریزیونست های ایرانی و اربابان سو-
 سیال امپریالیست آنها گفته اند ؟ این آقایان گویا گفته ها و
 نوشته های خود و اربابان خود را بدست فراموشی سپرده اند
 و - آجا دارد که با یادآوری هائی چند ، آنها را از عالمسیاسی
 بیرون کشیم .

نخست به بنیمن افرادی که خیانت کرده و به اردوی دشمن
 پیوسته اند چه گفته اند و چه نوشته اند .

یکی از آنها از " تحولات عظیمی که در روستای ایران و
 - زاحر صنعتی شدن کشور بوقوع پیوسته " سخن می راند .
 دیگری بر آنست که " در ایران همه چیز دگرگونی یافته
 است ، راه مستقل و شرقی ایران بدون اتکا به شرق یا غرب
 و با همزیستی با هر دو به ساختمان زیر بنای اقتصادی " -
 توجه دارد ، مناسبات سیاسی و اقتصادی گسترده ای پدید ار
 گشته است ، نظام قرون وسطائی کهن فروریخته و روابط و ابزار
 جدید تولید جایگزین آن شده است . " ... طرحهای بسیار
 شرفی چون فرهنگ و بهداشت برای همه و تامین اجتماعی در
 شرف پیاده شدن است . "

" ... حرکت بسوی صنعتی کردن کشور ، بیکار علی-
 سیسی ، شرکت زنان در امور اجتماعی ، گسترش فرهنگ و بهداشت
 نت ... اتحاد سیاست مستقل ملی ... بیکار بستن همزیستی
 مستقیم ، حواری جز اینها که در تاریخ معاصر میهن ما
 نوتاهی همانند نمیتوان یافت . "

" بیشک نقطه عطف این حرکت تاریخی را ششم بهمن
 ۱۳۴۱ می باید بشمار آورد . "

" نخست شاهنشاه را سیاسی میاید گفت که با بدعتی در
 حور زمانه ... رهبری امورا بدست گرفتند و حصار برین راکه
 سی ایشان و ملت جدائی می انداخت از میان برداشتند . "

این یاهه سرائی ها بدون شك خیانت به خلق است ،
 ستایش شاه و استعمار نوین است . مداحی و چاپلوسی ننگینی است .
 در این ارزیابی نمیتوان با بلندگویان ریزیونست های ایرانی
 همریان وهم آواز نبود . لیکن این یاهه سرائی ها همان است
 که ریزیونست ها خود سالهاست بطور صریح یا در پرده مخور
 مردم ایران میدهند . این حقیقت دیگر بر کسی پوشیده نیست
 معدلتك برای مقایسه یادآوری پاره ای از درافتاشنی های آنها
 در است :

" بطوری که اطلاع دارید مطبوعات شوروی و رادیو شو-
 روی که صبن عقاید و نظریات جوامع ما میباشد در اصلاحاتی که
 در صرف اعلیحضرت شاهنشاه اعلام گردید ، مخصوصا چنان
 اصلاحاتی که با منافع قشرهای وسیع سکنه مربوط است مانسند
 اصلاحات ارضی ، تفویض حقوق زنان و غیره حسن استقبال میکنند
 مردم شوروی درك میکنند که اجرای اقدامات با مشکلات معینی
 همراه است و در این مورد نیز بطور اجتناب ناپذیر بین کهنه
 و نو تضاد بوجود میآید . میتوان پیش بینی کرد که عملی ساختن
 اصلاحاتی که بی ریزی شده تاثیر مثبتی در ارتقاء سطح زندگی
 ماری و فرهنگی مردم ایران خواهد بخشید . " (از سفیر
 شوروی در ۱۳۴۲) .

" جوامع شوروی با علاقه خاصی مراقب اقدامات دولت

ایران در زمینه ترقی و پیشرفت اقتصادیات و کشاورزی و نیروهای
 تولیدی ایران میباشند . بهترین قدمی که در این زمینه بردا-
 شته شده اصلاحاتی است که در سالهای اخیر در ایران انجام
 میگردد و هدف آن عبارتست از بهبود وضع دهقانان و واگذاری
 تساری حقوق بزنان که هم اکنون فعالانه در حیات اجتماعی ایرا

شرکت میجویند " (از دبیر حزب " کمونیست " اتحاد شوروی) .
 " در سایه توجهات مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه ایران
 پیشرفتهای سریع و بسیار موثری در ایران مشاهده میشود .
 " در ایران انقلابات اصلاحات ارضی بدون خونریزی صورت
 گرفت و این موفقیت قبل از هر چیز نشانه خردمندی شاه ایران
 است " (از روزنامه نگار شوروی ۱۳۴۵) .

" در اتحاد شوروی سیاست خارجی ملی مستقل ایران
 را محترم می شمارند " (از نخست وزیر شوروی ۱۳۴۷) .
 " نگر شاهنشاه در مسیر گردانیدن برقراری مناسبات
 حسن همجواری بین ایران و شوروی " ، رهبری خردمندانه
 شاهنشاه است که انگیزه اقدامات مهمی در سالهای اخیر در
 جهت تحکیم و توسعه وضع اقتصادی گردید . سیاست خارجی
 ایران و نگر همزیستی مسالمت آمیز آن ... درخور همه گونه
 تجسید است " (از روزنامه شوروی ۱۳۴۸) .

" همچنین افتخار میکنم که درودهای خود را تقدیم
 ملت ایران نمایم که تحت رهبری شاهنشاه آریامهر به اصلاحات
 اجتماعی و اقتصادی عظیم بمنظور ایجاد يك اقتصاد عظیم و
 يك صنعت نوین در کشور و ریشه کن کردن بیسوادی و پیشرفت
 اجتماعی زنان شده است (از رئیس جمهور بلغارستان) .
 " انقلاب ایران کاملاً تحقق یافته است و این انقلاب دیگر
 تئوری نیست بلکه مردم ایران در روزانده دوم ۲۷ ژانویه ۱۹۶۳
 (همان ششم بهمن ۴۱ - توفان) بدان رای موافق دادند
 و اکنون نام افتخار آمیز انقلاب شاه و مردم یا انقلاب سفید را پیدا
 کرده است " (از مطبوعات لهستان) .

" شاهنشاه يك هدف اصلی که منظور آن بهبود وضع
 اجتماعی و اقتصادی ملت ایران است برای خود تعیین نموده -
 اند ... رئیس سازمان برنامه شوروی بسایساکوف ضمن سافتر
 اخیر خود با ایران خاطر نشان ساخت : طی دو سال اخیر کشور
 ایران خود را از قیود اقتصادی دول سرمایه داری رهائی داد
 است " (رادیو پراگ آبان ۱۳۴۸) .

" اصلاحات ارضی ... با افزایش نسبی علاقه دهقانان
 به شراکتکار خود در تسریع رسوخ سرمایه داری در ده امکان
 بیشتری برای رفاه دهقانان و رشد اقتصاد روستائی فراهم می
 آورد " . (از مجله دنیا ارگان تئوریک و سیاسی حزب تود ه ایران)
 ایران " اکنون کشوری صنعتی ، کشاورزی است یعنی امروز
 اقتصاد ایران در مقام اول است نه کشاورزی " (مجله دنیا) .
 " تولید گروه کشاورزی بتدریج مقام اول خود را به تولید گروه
 صنعتی میدهد " . " برنامه پنجساله " چهارم کام مهمی در جهت
 صنعتی کردن کشور است . " اشتباه خواهد بود اگر بجبهات مثبت
 تحولی که در اینجهت در کشور ما روی میدهد توجه لازم نشود
 یا به آن کم بها داده شوک (مجله دنیا) . در جای دیگر از
 " استقلال سیاسی ایران گفتگو میشود که گویا با " ادامه
 وابستگی اقتصادی " آن به امپریالیسم در تضاد افتاده است
 (مجله دنیا) .

اینهاست شعای از آنچه که ریزیونست های خودی
 و بیگانه در باره شاه ، رژیمش و اصلاحاتش سروده یا برشته
 تحریر در آورده اند . يك نظر ولو سطحی به ارزیابی ریزیون-
 نیست ها از شاه و وضع ایران بروشنی نشان میدهد که نیکدو
 و گروه خائن او جز تکرار گفته های ریزیونست ها کاری نکرده اند .
 نیکدو از انقلاب مسالمت آمیز سخن می راند " چرا که
 در خونریزی فی نفسه فضیلتی نیست " (البته منظور خونریزی
 شاه و طبقات حاکمه نیست چون نیکدو در آن فضیلت بسیاری
 بیند و آنرا نایب میکند) ، ریزیونست هانیز راه مسالمت آمیز
 انقلاب را برگزیده اند .

نیکدو از تعبیر مضحك " محدودات جغرافیائی سرمایه
 نتیجه میکورد که باید درهای کشور را بر روی سرمایه های خارجه
 باز گذاشت ، ریزیونست ها نیز بر آنند که " ما با هر دولتی که
 به تکامل نیروهای مولده در کشور ما کمک کند ما با این عمل
 آن دولت موافقیم " (مجله دنیا) .
 نیکدو از همزیستی مسالمت آمیز میان شرق و غرب و

حتی در داخل کشور میان طبقات گفتگو میکند ریزیونست ها
 هم همین را میکوبند .
 نیکدو قیام دربارته مردم ایران را در هفته خونین مرد
 با يك چرخش زبان بشیرمانه محکوم و شاه را در کنار هزاران
 مردم بیگناه تیره میکند ، ریزیونست هانیز چنین کردند .

می بینید که مواضع اساسی گروه خائنین درست همان مواضع
 ریزیونست هاست ، ریزیونست ها که نیکدو امود دیگران را خائن می شمر
 اگر بوی از دوستی و در ستکاری برده باشند باید به خیانت
 خود در قبال خلق ایران اعتراف کنند . اما آنها صحنه سازی
 سازمان امنیت را وسیله قرار میدهند برای آنکه خیانت خود را
 در ریز خیانت دیگران بیوشانند ، از آنهم بشیرمانه تر خیانت
 دیگران را دلیل حقانیت و نشانه وفاداری خود به مارکسیسم -
 لنینیسم بحساب بیاورند . به این شیوه عمل چه نامی میتوان
 داد ؟ اما نه مردم ایران آن اندازه از لحاظ سیاسی ساده لوح
 اند که روش روزمره ریزیونست ها را در قبال شاه ، اصلاحا-
 تش و سیاستش نبینند و نه با هیچ شعبده های میتوان ریزیونست
 و اپوزیونست را سیما و حنوه مارکسیسم - لنینیسم بخشید .
 ریزیونست ها محکوم تاریخ اند .

هشدار در برابر ... بقیه از صفحه ۱ ماده ۱ قرارداد -
 امپریالیسم امریکا " اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیرو
 نظامی خواهد بود " بعمل خواهد آورد . باین طریق قرار -
 داد مذکور رسماً با امپریالیسم امریکا امکان میدهد که در هر
 فرصتی ، خواه بمناسبت اوج نهضت انقلابی ایران و خواه به
 مقتضای جنگ جهانی بداخله " مسلحانه در ایران ببرد ، از
 بداخله " مسلحانه ای نظیر آنکه در ویتنام جنوبی و کابوج و غیره
 صورت گرفت .

چندی پیش از احضار قرارداد نظامی ایران و امریکا
 روزنامه " منچستر گاردین " (در ۱ فوریه ۱۹۵۹) نوشت :
 در جلسه شورای وزیران پیمان بغداد (امروز سنتو) ترکیه
 و پاکستان و ایران " نه فقط بر علیه تجاوز کمونیستی بلکه همچنین
 بر علیه حمله " دشمنان محلی خود تضمین میخواستند . شلا
 ایران از حکومت جدید عراق بسیار بیم دارد و طبق بعضی خبر
 ها نخست وزیر ایران ضمناً میخواهد باو در برابر يك انقلاب
 داخلی تضمیناتی داده شود . " - و این " تضمینات " بصورت
 ماده یکم قرارداد نظامی ایران و امریکا درآمد .

در آن روزگار روزنامه " پراودا " (۶ سپتامبر ۱۹۵۸)
 نوشت : قرارداد نظامی ایران و امریکا " کشورهای همسایه
 ایران را مستقیماً در معرض خطر قرار میدهد ... این بهیچ
 وجه مسئله داخلی دولت ایران نیست ... (این قرارداد)
 صلح و امنیت را در سراسر خاور نزدیک و میانه تهدید مینماید
 اما امروز با آنکه قرارداد نظامی ایران و امریکا بیش از
 هر زمان بقوت خود باقی است مرز ایران و شوروی - طبق اظهار
 رات نمایندگان ریزیونست شوروی - بصورت " مرز صلح و دوستی
 درآمد است . زیرا که سازش سوسیال امپریالیسم شوروی بسا
 امپریالیسم امریکا به مرحله تکامل رسیده و قراردادی که " صلح
 و امنیت را در سراسر خاور نزدیک و میانه تهدید مینماید " امروز
 حافظ منافع مشترک ریزیونست و امپریالیسم است .

خلق ایران با امپریالیسم امریکا و رژیم محمد رضا شاهی
 مصاف بسیار داده ، ناکامی ها دیده و تجربه ها اندوخته است .
 علی رغم دشواری ها ، علی رغم خرابکاری ها ، عمل ریزیونست و جاسوسان
 سوسان سازمان امنیت ، علی رغم زیانکاری های مظاهران بسا
 مارکسیسم - لنینیسم ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران
 در عرصه کشور ما تشکیل خواهد شد ، جبهه واحد ملی و
 دموکراتیک را رهبری خواهد کرد و آن را در جنگ تودهای طولانی
 بر امپریالیسم امریکا و رژیم محمد رضا شاهی پیروز خواهد ساخت .
 خلق ایران در هیچ جنگ تجاوز کارانه شرکت نخواهد
 جست و هر چه پیش آید پیوسته با تمام قوا از جمهوری توده ای
 چین ، این در نیرومند سوسیالیسم ، از جمهوری تودهای
 آلبانی ، این نورافکن سوسیالیسم در اروپا ، از خلق های
 انقلابی آسیا ، افریقا و امریکای لاتین و نیز از خلق های رزمنده
 اروپا و امریکا دفاع خواهد کرد .

خلق ایران قرارداد نظامی ایران و آمریکا را قراردادی
 راهزنانه و بی اعتبار اعلام میدارد .
 استوار باد اتحاد خلق های جهان برای برانداختن
 تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها .

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتری است

شاه و شرم

شاه در جواب خبرنگار مجله "اکسپرس" که از او درباره "رهبران محلی" یعنی رهبران خاورمیانه و بویژه عراق نظر خواسته چنین گفته است:

"مسافانه برخی از آنها که حساب بانکی قابل ملاحظه‌ای در خارج دارند بمجرد اینکه با اولین مشکل روبرو شوند جلا می‌شوند و راهی خارج خواهند شد."

حالا وقایع ۲۵ مرداد و فرار شاه را بخاطر بیابورید و به بینید که شاعر چه خوب گفته است:

یک قطره ز آب شرم و یک ذره حیاء
در چشمودش خدای داناست، کف نیست

نخست هسته شکست را در درون خود داشته باشد.

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از پدیده‌های منفی فوق در س میگرد و باین مناسبت تاکید بر مراتب زیرین را ضروری می‌شمارد:

* سازمان توفان یگانه سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران است. این سازمان است که حزب طبقه کارگر را در کشور ایران احیا خواهد کرد. تمام نیروی خود را در راه کسرتشروعیت سازمان توفان بکار بریم. وحدت سازمان توفان را مانند مردمک چشم گرامی داریم. به حفظ و تحکیم آن همت بکاریم. در هر جا و هر مقام که هستیم از هرگونه عملی که به این وحدت زیان برساند اجتناب ورزیم.

* فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی را چه در داخل و چه در خارج از سازمان کسرتشروعیت بکاریم. بگوئیم که مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون هرچه بیشتر با جان کادرها و اعضا سازمان و توده‌ها آمیخته گردد. مبارزه با ریزش و خواه در عرصه تئوری و خواه در عرصه فعالیت روزانه سیاسی و اجتماعی تقویت کنیم.

* با تبلیغات سفیسطه آمیز و تفرقه افکن و یاس آور و ریزش یونیت ها و عمال رژیم پهلوی و ضابطه پیوسته در بیگانه باشیم.

* امپریالیسم امریکا و حکومت محمد رضا شاه را از لحاظ استراتژی خوار بشمریم و محکوم بنابودی بدانیم. در نبرد با آنها جرات انقلابی داشته باشیم ولی از لحاظ تاکتیک از هرگونه ماجراجویی بپرهیزیم. آماده نبرد طولانی باشیم و به کمک بیایی های آسان و زودرس امید نیندیم.

* برهمنیاری بیفناشیم. پنهانکاری را پیش از پیش مراعات کنیم. هرگز در سانس سازمان امنیت و ریزش یونیت ها را همنی بر نفوذ و خرابکاری در سازمان توفان از نظر دور ندریم.

* از غرور و بپرهیزیم.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
هیئت مرکزی
تیرماه ۱۳۴۹

قطعنامه ... بقیه از صفحه ۱
انصاف آهنگین و فداکاری پرلترائی

* سازمان انقلابی به کار ایدئولوژیک و سیاسی توجه نداشت و اساس کار خود را بر صحبت های درگوشی نهاده بود.

مدتها از انتشار روزنامه امتناع میورزید و مناظرات سیاسی و ادبی آن جمله مبارزه با ریزش یونیت را امری بیپوده و دستبرآگیر و غیرانقلابی و مانع اقدام بجنگ پارتیزانی بشمار می آورد. بعد از در اثر گردش حوادث و بخصوص در اثر مبارزات ایدئولوژیک و سیاسی سازمان توفان ناچار شد به برخی از مناظرات سیاسی دست بزند ولی اساس کار او در این دوره نیز روشنگری ایدئولوژیک و سیاسی نبود بلکه تظاهر در روغن به کلیات مارکسیسم - لنینیسم اندیشه مائوسه دون و جلوگیری از پیشرفت مبارزات سازمان توفان بود. کار ایدئولوژیک و سیاسی هرگز بصورت وظیفه مستمر و منظم سازمان انقلابی در نیامد و هرگز از مضمون ذهنی و ضد مارکسیستی - لنینیستی تهی نشد.

* سازمان انقلابی بعلت مشی کاستریستی خود باین حقیقت مارکسیستی - لنینیستی که "سیاست باید در مقام فرماندهی باشد" و "حزب بساید به تفنگ ها فرمان دهد" معتقد نبود و می پنداشت که هرکس تیرانداختن و جنگیدن بلند باشد پارتیزان خوبی است و جنگ انقلابی میتواند با چنین پارتیزان هائی آغاز شود و به پیروزی برسد. این پندار بسا رغبت افسار کسخته تظاهر و لاف و کزاف توأم شد و باعث گردید که سازمان انقلابی هرماجراجو و هر بیگانه را برای جنگ پارتیزانی انداختند امری که سرانجامی جز رسوائی نمیتوانست داشته باشد.

* هیچ اصل تشکیلاتی در "سازمان انقلابی" مراعات نعو شد. کار تشکیلاتی "سازمان انقلابی" بر اصل مارکسیستی - لنینیستی مرکزیت و موکراتیک مبتنی نبود بلکه بر فراکسیونیسیم تکیه داشت. چند نفر در رهبری سازمان کارها را از طریق غیر تشکیلاتی در دست خود متمرکز کرده بودند. ارگان رهبری به معنای حقیقی وجود نداشت. اطلاعات نادرست و مفرضانه به سازمان داده میشد. کنفرانس هائی که تشکیل میکرد بدتظار هری بیشتر بود. افراد بر اساس ملاک های عینی انتخاب نمی شدند. تصمیمات در خارج از جلسات و در اثر نجوای هائی فتنه انگیزانه اتخاذ میشد. تهدید و تطمیع افراد امری رایج بود. خون تازه جریان نمی یافت. خون فاسد تمام رگ و ریشه سازمان انقلابی را فراگرفته بود.

* سازمان انقلابی باندازه خروشچف به توده ها بی اعتقاد بود و می پنداشت که برای همیشه میتوان مردم در روغ گت و مردم را برای همیشه در دام دروغ نگه داشت. در روغوشی شایع مراکشی اتهام زنی از شیوه های اساسی سازمان انقلابی بود. بد بیبی است که این شیوه ها نه فقط با مارکسیسم - لنینیسم و مشی توده های بلکه با هیچ جریان شرقی اجتماعسی سازگار نیست و عاقبتی جز عاقبت خروشچف و گولز بیار نمیآورد.

همه این عوامل باعث شد که "سازمان انقلابی" از روز

دو دشمن بزرگ خلقهای جهان بقیه از صفحه ۱
حالا آقایان رهبران ریزش یونیت بگوئید که چه کسانی جانشین هیتلراند.

* * *

پراودا همچنین مینویسد: "سالهای مدیدی است که رهبران چین در آسیا سیاست اخلال در رژیم های شرقی و ایجا نصادم بین دولت ها دست زده اند و میکوشند که مبارزه نجات بخش ملی خلق های این سرزمین را از متحدان مطمئن آنها یعنی از ممالک ارودی سوسیالیستی و از نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی منفرد گردانند."

ولی آن کیست که با رژیم های پوشالی تایلاند، بیره، مالزی، اندونزی و غیره و با مرتجعان هند روابط سیاسی و اقتصادی پر سود دارد؟ آن کیست که در باره مبارزه انقلابی سلحانه خلق های این ممالک مبارزه ای برهبری احزاب کمونیست مارکسیست - لنینیست آنها سکوت اختیار میکنند؟ رهبران سوسیال امپریالیست شوروی!

آن کیست که با چانگایچک پوشالی که در پناه نسرووی ریائی امریکا به نایوان پناه برده به تباری مشغول است؟ آن کیست که اسرائیل را در گفتار "محکوم میکند" ولی عملاً با دفاع از قطعنامه استعماری ۲۲ نوامبر ۱۹۴۷ شوروی "منیت سازمان ملل مبنی بر واگذاری فلسطین به صهیونیست ها عملیشتیان صهیونیست ها است و ضمناً از فرصت استفاد میکند منطقه نفوذ جدیدی برای خود در خاور میانه بدست آورد.

سوسیال امپریالیسم روس!

حالا آقایان رهبران ریزش یونیت بگوئید که چه کسانی دشمن مبارزه نجات بخش ملی خلق های آسیا هستند؟

* * *

پراودا همچنین مینویسد: "رهبران یکن مسئولیت شکست و ناکامی عده ای از نهضت های نجات بخش ملی را در آسیا و افریقا ... برعهده دارند ..."

ولی مسئول سرکار آمدن قلدان در ریزش یونیت، پایاد و بولس - ریونان، مسئول اعدام ده ها هزار کمونیست و شرقی در ایران، عراق و کنگو کیست؟ کیست که خلق زحمتکش این کشورها را از لحاظ ایدئولوژیک در برابر دشمن خلق سلاح کرد؟ آن کیست که نیروهای مشغول بجنگ سلحانه را در ریزش یونیت گولتالا و بلیوی در جنوبیحه تبرد گرفتار انشعاب ساخت؟ سوسیال امپریالیسم، بوسیله دست نشانده گانش.

آن کیست که به همراه اداره جاسوسی امریکا زنتال های دانیت را در اندونزی به کودتا تشویق کرد و در عین حال گوئید که حزب کمونیست اندونزی را به اتخاذ راه مسالمت آمیز وارد کرد (و مسافانه بدون موفقیت هم نبود)؟ آن کیست که بین طریق در کشتار قریب یک میلیون کمونیست و شرقی اندونزی دستی داشت؟

سوسیال امپریالیسم روس!

وی میلیاردها روبل اعتبار و اسلحه بهر رژیم ارتجاعی، زورگو و وحشی و فرمانبر امپریالیسم که در روی زمین وجود دارد - ل و بخشش کرد.

حالا آقایان رهبران ریزش یونیت بگوئید که چه کسانی برانگیخته ضد انقلاباند؟

* * *

پراودا همچنین مینویسد: "سراسر سیاست داخلی و خارجی یکن که ناشی از تمایلات تسلط جویانه رهبران آنست، همچنین کلیه فعالیت های ضد شوروی آنان به امپریالیست ها نشان میدهد که یکن قصد ندارد همراه شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با اقدام بر علیه تجاوز امریکا دست بزند ..."

ولی آن کیست که با توطئه در راه سرنگونی رژیم دموکراتیک توده ای آلبانی وحدت کشورهای سوسیالیستی را در هم شکست؟

آن کیست که هم اکنون در وین با امپریالیست های امریکائی بمذاکره درباره انعقاد قرارداد محدودیت تسلیحات استراتژیک مشغول است و در عین حال دیگران را (ونه فقط چین را) با اسلحه کشتار جمعی خویشتن تهدید میکند؟

سوسیال امپریالیسم روس!

چین توده ای بمناسبت تهاجم امپریالیسم امریکا بر کابوچ مذاکرات دو جانبه ای را که پس از کنفرانس ژنو با امریکا دنبال میکند قطع کرد و با هیچیک از کشورهای مهاجم بر

بار دیگر درباره ... بقیه از صفحه ۱
امتیازاتی موقتی بین

یل آید وی هرگز نخواهد توانست برای خلق کرد پیروزی تا کند. این پیروزی همراه با پیروزی همه خلق عراق در انقلاب ملی و موکراتیک برهبری طبقه کارگر بدست خواهد آمد.

ما هواداران برانداختن هرگونه ستم ملی هستیم و از جنبش ملی و آنجا که رجعت تقویت انقلاب است پشتیبانی میکنیم. ولی ملت ها را از هرگونه سیاست ناسیونالیستی سازشکارانه که مآلاً بشکست جنبش ملی منجر خواهد شد ببرد رسیداریم. با قهرمانی های ملتگرد در راه احقاق حقوق ملی خویش میسازیم ولی ناچار بتذکر این حقیقتیم که جنبش ملت کرد و یا سایر ملت ها تا وقتی که به جریان عمومی انقلابی ضد امپریالیستی نیبوند بپسرم منزل پیروزی نخواهد رسید.

بیرکاغذی

"همه مرتجعان بیرکاغذی اند. مرتجعان بظاهراً هوناک اند ولی در واقع چندان نیرومند نیستند. اگر در این مسئله نگاهمان بآینده باشد خواهیم دید که نیروی واقعا عظیم با مرتجعان نیست، با خلق است."

مائوسه دون

خلق های هند و چین رابطه ندارد.

اما رهبران سوسیال امپریالیسم روس کلیه مذاکرات خویش را دنبال میکنند و با کلیه تجاوزکاران دارای انواع ازب طائنی هستند که بعد و در بیلمناتیک محدود نمیشود.

در این صورت، آقایان رهبران ریزش یونیت، چه وحدت عملی میتوانند بین شوروی سوسیال امپریالیست و چین سوسیالیست بین شما و ما موجود باشد؟

یک مثل فارسی میگوید: شریک دزد رفیق قافله نیست.

(۱) اشاره است به سرمقاله شماره ۵ روزنامه توفان تحت همین عنوان که بموقع خود در روزنامه "هومانیته" نوین ارگان حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه درج گردید.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

مرك و ننگ بر امپریالیسم امریکا

توفان در ترکیه

قطعه نامه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

ارتداد و خیانت عده‌ای از سران و کادرهای "سازمان انقلابی حزب توده" ایران در خارج از کشور، به سازمان امنیت ایران از یکسو و رویزیونیست‌های حزب توده ایران از سوی دیگر فرصت جدیدی داد که مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو سه دین و بطور کلی هرگونه فکر انقلابی را مورد حمله قرار دهند. بویژه رویزیونیست‌های حزب توده ایران ناجوانمردانه کوشیدند تا "سازمان انقلابی" را که بارها از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان افشا شده است بعنوان مظهر اندیشه مائوسه دین در ایران جلوه گرزاند و با این تزویر بر اندیشه نابناک مائوسه دین که مارکسیسم لنینیسم و روان ماست غبار شک و تردید بپاشند. کاررواقت بجائی کشید که در تبلیغات رویزیونیست‌های حزب توده ایران "مائوسیم" بسا تسلیم طلبی مترادف آورده شد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بارها ماهیت "سازمان انقلابی" و شیوه‌های فعالیت او را در اسناد و مقالات مختلف مورد تحلیل قرار داده است. در این موضوع در جلسه تیرماه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بنیاسبت ارتداد و خیانت عده‌ای از سران و کادرهای "سازمان انقلابی" تجدید بحث بعمل آمد که بنتیاج زیرین منتهی گردید:

• تفاوت ما در باره "سازمان انقلابی" مبتنی بر خیانت این عضو یا آن رهبر نیست. احتمال چنین خیانت‌هایی را در هیچ سازمانی نمیتوان منتفی انگاشت. تفاوت ما در باره "سازمان انقلابی" از ماهیت خود او و مجموعه گفتار و کردار او سرچشمه میگردد ما بر آنیم که سرگذشت اخیر "سازمان انقلابی" سرگذشتی تصادفی ناکهانی و در وراز انتظار نیست بلکه نتیجه ناگزیر وجود آن است. • چگونگی تشکیل "سازمان انقلابی" بسیار عبرت‌ناکیز است:

از نخستین روزهایی که عده‌ای از کادرها و اعضای حزب توده ایران بخالفت با اپورتونیسم و رویزیونیسم رهبری و دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دین برخاستند رویزیونیست‌ها - همانطور که در همه جا عمل کردند - عده‌ای از دست آموزان خود را بمیان آنها فرستادند و آنان جریان را در اختیار گرفته بسود رویزیونیسم گردانند. جلسه‌ای که بعد ها کفرانسول سازمان انقلابی نامیده شد بدست یکی از رویزیونیست‌های معروف حزب توده ایران شکل یافت که بعد ها در سپرده قرار گرفت.

بدیهی است که امپریالیسم و سازمان امنیت ایران نیز از اهمیت نهضت مارکسیستی - لنینیستی نوین غافل نبودند و در برآمدند جایائی برای خویش در این نهضت بیابند. "سازمان انقلابی" هم باشیوه‌های ناپهنجار خود شرایط مساعدی برای اعمال امپریالیسم و سازمان امنیت فراهم آورد. زندگی این سازمان و بویژه خیانت‌های اخیر آشکار میسازد که فعالیت خرابکارانه امپریالیسم و سازمان امنیت در "سازمان انقلابی" قسریست موفقیت بوده است.

• "سازمان انقلابی" برنامه مارکسیستی - لنینیستی نداشت و هیچگاه از وحدت ایدئولوژیک برخوردار نشد. اسناد مختلفی که از طرف این سازمان انتشار یافته حاوی انواع انحرافات ضد مارکسیستی - لنینیستی است. در واقع این سازمان بسر مشی کاستریستی - کوارستی بوجود آمد و - علی‌رغم تظاهراتی که به پیروی از اندیشه مائوسه دین داشتند - نتوانست و نتواند به مارکسیسم - لنینیسم فرارسد. روشن است که چنین سازمانی نمیتواند پروردنده ایمان و انضباط و فداکاری بقیه در صفحه ۳

بارها خوانندگان توفان در ترکیه شکایت کرده اند که این ماهنامه بدست آنها نمیرسد و یا بطور نامرتب میرسد. یکی از جرائد ترکیه نیز خبر داده است که ماهنامه توفان از جانب مقامات دولتی ترکیه قدغن شده است.

این امر تنها حاکی از ماهیت ارتجاعی حکومت ترکیه نیست بلکه نشانه همکاری نزدیک بین سازمان امنیت ایران و مقامات امنیتی ترکیه نیز هست. از دول ترکیه و ایران که بحاضر سرکوب جنبش‌های آزادیبخش خلق‌های خاورمیانه در پیمان مرکزی متحد شده اند، البته انتظار دیگری نباید داشت. در اینجا سازمان امنیت ایران از مقامات امنیتی ترکیه میخواهد که ماهنامه توفان را جمع‌آوری کنند و مسلما به آنها قول می‌دهد که اگر چنین وضعی برای ترکیه در ایران پیش‌آید به جبران این محبت مقامات امنیتی ترکیه همت گذارد.

این امر همچنین حاکی از تاثیر مبارزات اصولی ماهنامه توفان است. اگر چنین نبود، سازمان امنیت ایران و ترکیه به قدغن کردن توفان دست نمیزدند.

عده زیادی از دانشجویان ایرانی در ترکیه به تحصیل مشغولند. جمع‌گیری از اصناف مختلف جامعه ایران یاد ترکیه اقامت دارند و یا با ترکیه درآمد و شداند. از اینجهت توفان در ترکیه دارای خوانندگان بسیار است. رژیم شاه که میکند محیط خارج از ایران را نیز برای مخالفان خود مانند داخل ایران مختنق گرداند، بخصوص به ترکیه توجه بیشتری دارد. البته رژیم شاه تاکنون در تمام کشورهای خارج مانند آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه و غیره به چنین تشبثاتی عمل نکرده است ولی تشبثات مذکور در جایی به نتیجه مطلوب رژیم میرسد که رژیم ارتجاعی و عقب مانده ای مانند ترکیه داشته باشد. رژیم که در اختناق و ترور افکار محمد رضاشاه در سر می‌گیرد.

بدیهی است که قدغن کردن روزنامه توفان از جانب مقامات امنیتی ترکیه در واقع تن دادن به نفوذ "برون مرزی" رژیم محمد رضاشاه است. تن دادن به تشبثات رژیم محمد رضا شاه نیز در چهارچوب منافع ارتجاع و امپریالیسم صورت میدهد. بدناخاطر صورت میگیرد که رژیم ترکیه ماهیتی ارتجاعی و ضد خلقی دارد، تقریبا به اندازه محمد رضاشاه در

سرکوبی طبقات و نیروهای خلقی ترکیه غدار و بی باک است سرکوبی اعتصابات اخیر کارگران ترکیه و کشتار چندین کارگر در استانبول از همین ماهیت ضد خلقی رژیم ترکیه سرچشمه میگردد. رژیم ترکیه در اثر تشبثات سازمان امنیت ایران میخواهد در اختناق و ترور افکار بین ترکها و ایرانیان رعایت مساوات نماید.

همکاری رژیم شاه با رژیم ترکیه در اقدامات ضد خلقی، تنها منحصر به قدغن کردن توفان نیست. اقدامات خونین و فاشیستی که در ماههای اخیر از طرف دولت ترکیه علیه کردهای ساکن آن کشور بعمل آمده در واقع همکاری با رژیم ایران در سرکوب نهضت ملی خلق کرد بوده است. بنابراین خیسه موتقی که بما رسیده جنایاتی که اخیرا از جانب دولت ترکیه نسبت به خلق کرد صورت گرفته بی سابقه بوده است. جلال‌الدین حکومت ترکیه نه تنها مردم کرد آنکشور را به گلوله بستند، به آنها در منشا نه شکجه دادند بلکه حتی به زنان شکجه جسمی و روحی وارد میساختند با این منظوره که آنها خودشان شهروندان را شکجه دهند و اگر از اینکار امتناع میکردند گلوله اسبه های ترک به قلبشان میشتافت.

رژیم شاه و رژیم ترکیه، دو رژیم پرورش یافته امپریالیسم آمریکا هستند، امپریالیسم آمریکا با حفظ این دو رژیم خلقهای ترکیه و ایران را اسیر خود ساخته است. هر دو این خلقها را به زنجیر پیمان مرکزی و غیره بسته است. در مواقع لزوم یکی از این دو رژیم را وادار میسازد که به یاری رژیم دیگر بشتد. خلقهای ترکیه و ایران نیز باید در کنار یکدیگر در زیر پرچم انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی قرار گیرند. خلقهای ایران و ترکیه دو خلق برادرند و در مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک وجه مشترک دارند. ما از خلق برادر ترکیه انتظار داریم که به این اعمال ارتجاعی دولت ترکیه شدیداً اعتراض کنند، از مطبوعات شرقی آن کشور انتظار داریم که به افشا و مواضع خائنه رژیم محمد رضاشاه و رژیم ترکیه همت گمارند، به کشتار در منشا نه خلق کرد در ترکیه اعتراض کنند و نگذارند که پرونده این جنایت ارتجاع ترکیه در پشت پرده سکوت پنهان بماند. خلق کرد در ترکیه به همدردی تمام خلق ترک نیازمند است.

ما همچنین از گنیه نیروهای شرقی ترکیه انتظار داریم که توطئه سازمان امنیت ایران را جنی بر قدغن کردن توفان در ترکیه عقیم گذارند، و برای رساندن ماهنامه توفان بدست ایرانیان مقیم ترکیه با ما همکاری نمایند.

بار دیگر درباره مسئله ملی کردهای عراق

در روزهایی که عهد السلام عارف کور تا کرد و در منشا نه کشتار کمونیست‌ها و دموکرات‌های عراق پرداخت مصطفی بارزانی از جای جنبید و به عارف امکان داد که دیکتاتوری خونین خود را پایه گذاری کند، باین امید که شاید از دولت عارف رشوه ای برای منت کرد بدست آورد. با دولت های بعدی نیز پیوسته در تلاتر چنین سازشی بود.

چندی پیش نماینده دولت عراق در پاریس آشکار ساخت که مصطفی بارزانی در ژوئن ۱۹۶۸ بنسبست حمله راهزنان اسرائیل بر کشورهای عربی و پیروزی موقت بی آن دولت تبریک گفته بوده است. این اقدام مصطفی بارزانی بعید نیست زیرا که او برخوردار اسرائیل را با خلق‌های عرب بشابه برخورد اقلیت ملی با منت حاکم، مانند برخورد ملت عرب در عراق تلقی میکند. حداقل اینست که مصطفی بارزانی هیچگاه با خلق‌های عرب در مبارزه بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم همکاری نکرد. دست در در و رانی که بین حکومت محمد رضاشاه و دولت عبرا ق اختلاف افتاد مصطفی بارزانی بر شاه ایران تکیه کرد و بنام مبارزه برای احراز حقوق ملی کرد در عراق از وی اسلحه گرفت. این مطلب را بارها جراید مختلف نوشته اند. شاه نیز در جواب خبرنگار رادیو تلویزیون فرانسه آن را تایید کرده است. همین که مصطفی بارزانی در قیام کردها از تکیه بر دولت هائی نظیر دولت عهد السلام عارف و دولت ایران ابائی ندارد عمل او نه فقط در جهت انقلاب ملی و دموکراتیک نیست بلکه در سازش با ضد انقلاب است.

چنین سیاسی ممکن است بتحصیل بقیه در صفحه ۳

برخی از رفقا طی نامه‌هایی مقاله "پیروزی خلق کرد در عراق" (مندرج در توفان شماره ۳۲) را مورد انتقاد قرار داده اند. انتقاد مذکور مورد بحث دقیق قرار گرفت و علی‌الاصول صحیح تشخیص داده شد و اینک خلاصه آن از نظر خوانندگان گرامی میگردد. ضمناً از رفقای که فعالانه در مباحث توفان شرکت میجویند و به بهبود آن میاندیشند صمیمانه سپاسگزاری میکنیم.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی ما عقیده دارد که برای بدست آوردن حقوق ملی باید در درجه اول و قبل از هر چیز "طبقه" حاکمه را برانداخت و امپریالیسم را ریشه کن ساخت. "مسئله" ملی تنها در صورت پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک برهمنی طبقه کارگر ... امکان پذیر است" (شماره ۲۰ توفان) "مسئله" حقوق ملل یک موضوع منفرد و مستقل نبوده بلکه جزئی است از مسئله کنگی انقلاب پرولتاریائی، و این جز "مطیع کسل بوده و از نقطه نظر لکل باید بآن نگاه کرد". "مسئله" ملی در عراق و ایران بتبع انقلاب این دو کشور قابل حل خواهد بود. (شماره ۱۴ توفان) ولی مقاله "پیروزی خلق کرد در عراق" مسئله ملی کرد را در زمینه انقلاب ملی و دموکراتیک آن کشور قرار نداده است.

چنانکه میدانیم قیام کرد‌های عراق برهبری مصطفی بارزانی از روز نخست و در طی تمام نه سال عبارت بوده است از قیامی صرفاً ملی و جدا از انقلاب ملی و دموکراتیک کشور عراق. مصطفی بارزانی بارها اظهار داشته که حاضر است برای پیشرفت مسئله ملی کرد از هر جانب اسلحه بگیرد، خواه از شوروی و خواه از آمریکا. این اظهار او مظهر رفرمیستی و سازشکارانه است، مظهر جدائی قیام کرد‌های عراق از مبارزه ضد امپریالیستی است.

پیروزی مبارزه دلیرانه خلق‌های هندوچین

سهم غارتگر و غارت زده

نقشه زیرین از روزنامه کیهان مورخ ۲۸ آبان ۱۳۴۷ نقل شده است :



منطقه ای که در نقشه ملاحظه میکنید شامل است بر سند عباس، جاسک، میناب، جیرفت، بافق تا بندر لنگه و جزیره لارک. این منطقه ۴۵ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و بقول روزنامه کیهان بیش از خاک کشور هلند است.

این منطقه را محمد رضا شاه به کسرسیومی مرکب از چهار شرکت آمریکائی بمنظور "کنت و صنعت" واگذار کرده است. مساحت این منطقه را که ۴۵ هزار کیلومتر مربع است بخا - آشته باشید و آن را با مساحت بهره برداری های دهقانی ایران مقایسه کنید. در میناب غارت زده ما ۹۳۰۰۰ و در بافتی کثر از ۱ هکتار زمین دارند و تعداد واحدهای زراعی که مساحتشان کثر از ۵ هکتار است بر ۱۲۲۶۰۰۰ با لنگه میشود. (مراجعه شود به "مجموعه" سخن رانی های چاپ شده در مجله بانک مرکزی ایران سال ۱۳۴۷). آنگاه در چنین کشوری با یک گردش قلم ۴۵ هزار کیلومتر مربع از اراضی برای "کنت و صنعت" بامیربالیست های آمریکائی وامیگذار پنجاست تفاوت میان سهم غارت زده و غارتگر.

فقط منطقه بندرعباس و کرمان نیست که به امیربالیست ها بدل و بخشش شده است. قطعات بزرگ دیگری از خاک کشور ما تحت همین عنوان "کنت و صنعت" بامیربالیست ها تقدیم گردیده که صورت برخی از آنها را مادر شماره پیشین توفان یادآور شدیم.

مرگ بر محمد رضای وطن فروش!

دو نامه

برای آنکه نمونه ای از واکنش خلق ایران در برابر صحنه - سازیهای سازمان امنیت بدست دهیم دو نامه زیرین را که از ایران نوشته شده است از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم :

نامه اول

... به یاره سرائی های پرویز و امثال پرویز کوشید. در اینجا با حرفی پله، فقط با حرفی و هوو و جنجال با اصطلاح کارها انجام شده است. ولی همایش هوو و جنجال است. کار واقعاً مهمی که اثر محسوسی در زندگی اکثریت مردم محروم و بدبخت مملکت ما داشته باشد صورت عمل بخود نگرفته است. مقداری سرمایه های خارجی برای اینکه کالا های خود را ایزان تمام کنند چند کارگاه برای مونتاژ ایجاد کرده و تعدادی بر کبرادورها افزوده اند. با این ها هم بقیه درشت صفحه

توضیح

در شماره پیشین وعده کردیم که آمار و ارقام در باره "اصلاحات ارضی" شاه از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم.

رشته کشاورزی زمینهای است که رژیم کودتا بیش از همه در آن فریبکاری، لافزنی و چشم بندی میکند زیرا که این رشته مستقیماً با اکثریت عظیم زحمتکشان ایران و با انقلاب دهقانی سروکار دارد. در اینجا آنقدر قوانین، آئین نامه ها، تصویب نامه ها، بطق ها، گزارشها، آمار و ارقام درهم متضاد و گیج کننده وجود دارد که پژوهنده اگر به نکات و مسائل اساسی توجه نکند و در پی فروع و جزئیات باشد بجائی نخواهد رسید. در مورد نتایج "اصلاحات ارضی" و مراحل دوگانه آن آمار و ارقام گوناگونی در دست است. ما آخرین و پرلاف و کزافی ترین آنها را از مجموعه "بنیاد هفتمین سالگرد انقلاب شاه و مردم" (منتشر از طرف مرکز تدارک وزارت اطلاعات) نقل میکنیم.

روزنامه "توفان" بارها در افشا "ماهیت" اصلاحات ارضی رژیم شاه مقاله نوشته است و اینک توجه خوانندگان گرامی را در بررسی آمار و ارقام این صفحه بنکات زیرین معسوف می دارد :

"اصلاحات ارضی" شاه - چنانکه خود شاه گفته است هدفش ضرورتاً جلوگیری از انقلاب دهقانی ضمن تحکیم مالکیت بزرگ است. این "اصلاحات" حاکی از صادره مالکیت های بزرگ نیست بلکه حاکی از خرید قسمتی از اراضی مالکان بزرگ است. هر مالکی میتواند یک ده شش دانگ داشته باشد و حد سخاکی برای دهات کثر از شش دانگ او موجود نیست. اصولاً هر ملکی که با افزار جدید کشاورزی بهره برداری شود (و معارف بهتر: هر ملکی که سازمان اصلاحات ارضی چنین کوا - هو نامهای در باره اش صادر کند) از تقسیم شدن برکنار میماند. باغات میوه و قسطنان هائیکه ممکن است میلیون ها تومان قیمت و محصول داشته باشند از تقسیم شدن برکنارند.

جداکردن قسمتی از زمین برای فروش به دهقانان کاملاً بعید و اراده مالک است و بدیهی است که او بهترین اراضی

را برای خود نگه میدارد و بدترین آنها را به دهقانان میفروشد. قیمتی که در مقابل یک قطعه زمین از دهقان ستانده میشود بالاترین قیمت ممکن است.

دهقان در رای و ورقه خرید انکتست میزند ولی این بمعنای آن نیست که حتماً صاحب زمین میشود. اولاد مدت ۱۵ سال باید اقساط کمروشکن بپردازد و سر نوشتش در دست مالک و مامور دولت باشد و بدون تردید اگر این گونه دهقانان به پرداخت کلیه اقساط قادر نخواهند بود و بالاخره در حسرت مالکیت قطعه زمین کوچککی باقی خواهند ماند.

آن عده از دهقانانی که طبق قانون مرحله دوم "اصلاحات ارضی" بجای مزارعه کاری به اجاره داری میروند در واقع همان حد اکثر سال مالکانه سابق را بشکل جدید خواهند پرداخت و بار قرون وسطائی را همچنان بردوش خواهند داشت. برخلاف آنچه رژیم کودتا و رویزیونیست های ایرانی تبلیغ می کنند اجاره داری کوچک دهقانان زحمتکش از بقایای قسرون وسطی است. مگر نیست به رهائی تولید از قیود کهن کمک نمیکند اما مانگان در برابر قطعات نامرغوب اراضی خویش منابع عظیمی پول بدست میآورند که آن را در تشدید استثمار زحمتکشان شهروده بکار خواهند انداخت.

نقش دولت ضد ملی و ضد دموکراتیک نیز در این جریان دارای اهمیت درجه اول است. بدیهی است که دولت کودتا تقویت کننده سرمایه های امپریالیستی و کمپرادوری و مالکیت های بزرگ غارتگر در روستای ایران است و تمام نیروی اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را در این راه بکار برده و خواهد برد و این امر به تشدید اختلافات طبقاتی در روستای ایران خواهد انجامید.

ما بیشتر از این تفضیل نمیدهیم و خوانندگان گرامی را به مطالعه دقیق اسناد، آمار و ارقام رسمی دولت که در این صفحه آمده است دعوت میکنیم.

از زندگی دهقانان

از ۶۶۶۰۰ روستای ایران فقط ۱۶۰۰ روستا برق دارند یعنی کثر از ۳ درصد. این میزان هم بیشتر مربوط به دهات بزرگ است. از ۵۰ هزار ده ایران که هر یک بین ۱ تا ۵۰ خانوار جمعیت دارند فقط ۶۸۰ ده صاحب برق است یعنی کثر از ۱/۵ درصد.

(مجله "دهقان روز" بهمن ۱۳۴۷) - در اسرائیل هر نفر بطور متوسط سالیانه ۴۲۰ عدد تخم مرغ میخورد و در آمریکا هر نفر ۳۲۰ عدد و در ایران هر نفر ۵۰ عدد (توجه کنید که در رقم متوسط مذکور همه طبقات شروعت و مرفه نیز حساب آمده اند).

(مجله "دهقان روز" بهمن ۱۳۴۸)

"وجود بهره زیاد و نبودن عوائد کافی... زارع را اغلب مفروض نگه میدارد و بتحقیق میتوان گفت که در حال حاضر اغلب مفروض بودن یکی از مشکلات زندگی روستائیان... است... در حال حاضر زارع علاوه بر اینکه جهت اقدامات تولیدی خود احتیاج به وام دارد برای رفع احتیاجات غیر تولیدی خود نیز محتاج دریافت وام است."

(مجموعه سخن رانیهای چاپ شده در شعبه بانک مرکزی سال ۱۳۴۷) "اگر یک زارع بدبخت بخواهد وامی بگیرد با هزار جور مشکلات روبرو است"

(اطلاعات ۱۸ آذر ۱۳۴۷)

بانک کشاورزی فقط در مقابل گروهی که دریافت میدارد به زارع فرض میدهد. بنابراین فقط زارعی میتواند از بانک کشاورزی قرض بگیرد که زمین یا مالکیت دیگر داشته باشد و یا محصول کشاورزی خود را قبلاً بیبیمه کرده باشد تا بتواند آن را در رستور بانک کشاورزی گرو بگذارد. زارع تهیدست اصولاً قادر بر قرض گرفتن از بانک کشاورزی نیست.

(مجله "اطاق بازرگانی" - مرداد ۱۳۴۹)

در سال ۱۳۴۹ از ۱۹۱ هزار بهره بردار روستائی، ۱۰۷ هزار زیر بار قرض بودند. فقط ۲ درصد این قرضهها را بانک کشاورزی و صندوق روستائی پرداخته بود. بقیه را دهقانان

شاه و دهقانان

سخنان او توجه کنید :

"گفتم نپوشیدن یکی از عادات ناپسند دهنشینان است." (اطلاعات ۱۱ دی ۱۳۴۶)

"این مسئله (محدودیت مالکیت) بآن ترتیبیکه بعضی تصور میکنند نیست. محدودیت مالکیت از این نظر باید مورد توجه قرار گیرد که مالکیت تقویت شود... البته باید اراضی وسیع باشد که مالکین بتوانند دائره فعالیت ماشین را در زمین های خود توسعه دهند..."

(اطلاعات ۱۰ دی ۱۳۴۶)

"مهمترین مسئله کشاورزی ایران وجود اراضی وسیع نیست بلکه فقدان کشاورزان و دهقانان ماهر برای کشت زمین های مزبور میباشد."

(اطلاعات ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۸)

"اگر ما تحولی از بالا شروع نکنیم مسلماً دچار یک انقلابی از پایین خواهیم بود."

(کیهان ۸ اسفند ۱۳۴۱)

دکتر امینی نخست وزیر وقت در کنگره سراسر مالکان میگوید : "همسفری آذربایجانی من اشاره به صادره املاک کرد. کدام صادره؟ ما میگوئیم یک ده شش دانگی را برای مالک بگذاریم... حتی اعلیحضرت نظر داشتند که اگر ۳ تا ده در یک محل واقع و بهم چسبیده هم بود آنجا را یک ده حساب کنیم و بمالک واگذار نمائیم."

(اطلاعات ۲۸ بهمن ۱۳۴۰)

نان از مراجع غیر دولتی گرفته بودند. اگر نرخ بهره را که... در حدود ۵۰ درصد است در نظر بگیریم بسنگینی بار قروض روستائیان بی میریم.

"وامهای بزرگ بانک کشاورزی بیشتر به مالکین و خسرده مالکین که دارای وثیقه معتبر هستند اعطا میشود و تاثیر در وضع روستائیان ندارد."

(مجله تحقیقات اقتصادی آبان ۱۳۴۳)

مسئله مالکیت ارضی

شاه از پدر خود املکی به وسعت ۳ میلیون جریب
میر که شامل هزارویک ده میشود بارت برده است. ارزش
این املک در حدود ۱۰۰ میلیون دلار (۳۵ میلیون لیبره
استرلینگ) است.

اطلاعات هفتگی ۱۶ مه ۱۳۴۰ نقل از خبرگزاری روتتر
دکتر امینی - نخست وزیر که "اصلاحات ارضی" از

ایران او شروع شد - گفته است:
"نه صادره ای در کار هست و نه فشار و نه انقلابی. ما
باید سادگت و یک قدری آهسته تر عمل کرد. حالا از این کلمات
سند و بحثناک و این ترتیبات انقلابی، دیگر بحثناک نمیگردد"

(اطلاعات ۱۲ شهریور ۱۳۴۰)
اوسنجانی وزیر کشاورزی گفت: ترتیبی داده ایم که آقایان

مالکین حاضرشان جمع شود و کارخانه های دولتی را با تضمین سود
۶- درصد بجای اقساط املک بآنها خواهیم داد.

قیمت گلیه ارضی که به مالکین پرداخت خواهد شد
۷- میلیارد تومان است.

(اطلاعات ۲۹ آبان ۱۳۴۱)
وزیر اصلاحات ارضی گفت: "باغات میوه، قلمستان ها،

ارضی زراعی مکانیزه که با کارگران کشاورزی اداره میشوند در اختیار
مالکین خواهند ماند و دولت برای توسعه و بهبود آنها کمک های
مادی و فنی خواهد کرد"

(خواندن آنها ۲ تا ۵ آذر ۱۳۴۷)
دکتر کرمان "بسیاری از زمین داران بزرگ با اینجهت که

باغات شامل اصلاحات ارضی نمیشدند زمین را تبدیل به "باغ
پسته" کرده اند."

(اطلاعات ۲۶ مرداد ۱۳۴۳)
"برای اجرای قوانین اصلاحات ارضی نه تنها املک ما-

کین مشمول هم صادره نشد و نه تنها از نظر میزان قیمت این
املک از کسی تقاضای تخفیف بعمل نیامد بلکه برای تعیین و

پرداخت بهای ارضی مالکین مشمول با تبعیت از عرف و روش
معمول در بازار ایران قبل از اجرای قوانین و مقررات اصلاحات

ارضی، برای خرید ارضی مزبونی اقدام گردید."
بهای عادلانه هر ملک با سود شش درصد به اقساط

پانزده ساله به مالکین پرداخت میشود.
(کتابچه "بمناسبت هفتمین سالگرد انقلاب شاه و مردم"

تهیه شده در مرکز تدارک و اطلاعات - بهمن ۱۳۴۸)
در مرحله اول اصلاحات ارضی ۱۵۸۰۰ قریه (اعم از

شتر دانگ و گتراز شتر دانگ) از مالکان بحساب دهقانان
خریداری شده است، یعنی تقریباً ۱۰۸۰۰ ده شتر دانگی که

معادل ۱۸٪ از مجموع قریه ایران (۵۸ هزار میلیارد)
بهای قریه خریداری شده، مذکور معادل است با

۹۷۷۱۹۵ میلیون ریال که اگر سود ۶ درصد بر آن بیفزاییم
مساوی میشود با ۱۰۳۵۸۲۷ میلیون ریال. پرداخت مبلغ مذکور

در عرض مدت ۱۵ سال صورت خواهد گرفت از قرار سالی ۷۰۰۰
میلیون ریال و چون زمین های مذکور به ۷۳۵۷۰۰ خانوار

فروخته شده هرزاری که زمین دریافت کرده باید (بطور متوسط)
سابقه مبلغ ۹۳۳۰۰ ریال بپردازد) بدیهی است که این

پرداخت از دهقانان تهیه ست و میانه ساخته نخواهد بود -
توفان)

در مرحله دوم اصلاحات ارضی آماری در دست نیست که
چه مقدار زمین از مالکان خریداری و به دهقانان فروخته

شده است. آمار موجود فقط حاکی است که ۶۲۰۰ نفر
زارع زمین خریداری شده اند.

(پس مجموعه خانوارهایی که در مرحله اول و دوم
اصلاحات ارضی نوانسته اند زمین بخرند کمتر از ۸۰۰ هزار

میشود که اگر تعداد متوسط افراد خانواده آنها را ۵ حساب
کنیم ۴ میلیون نفر بالغ میگردند. این خد اکثر ادعای رژیم

است و اگر آن را هم بپذیریم، در نظر گرفتن اینکه اکثریت این
عده قادر بر پرداخت اقساط سنگین نخواهند بود و مالکیت

باری آنها خواهد خشکید حقارت اقدام رژیم کودتا بر ما روشن
میگردد - توفان)

(کتابچه "بمناسبت هفتمین سالگرد انقلاب شاه و مردم"
تهیه شده در مرکز تدارک و اطلاعات - بهمن ۱۳۴۸)

مالکینی که در مرحله دوم اصلاحات ارضی، ملک خود را
بجای مزارعه به اجاره میدهند مبلغ اجاره را طبق قانون چنین
معین میکنند: "معدل عایدات سه سال اخیر ملک، بدون در

امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها

«اصلاحات ارضی» شاه

را از اسارت فتوای حیات میدهد."

(مجله "نوروزی عصر جدید" ۲۰ فوریه ۱۹۶۳)

نامه "کندی به شاه و مقاله "ایزوستیا درنا بید" اصلاحات

ارضی "شاه"، "همرد یقووم ارز بایک بیمنامه" عراست."

(خواندن آنها ۳۰ بهمن ۱۳۴۰)

بقیه دو نامه
درست نمیشود. اینگونه کارهای کوچک و خیانته آمیز جواب شکم
میلیون ها کرسنه و بکدای بیخانمان را نمیدهد. دهات همچنان
ویران است. دهقانان کرسنه مثل سیل بشهرها سرازیر می-
شوند و بر تعداد آنها ایان شهرها افزوده میشود چون در محل خود
نه نان دارند، نه فرهنگ و نه بهداشت، نه امنیت و نه هیچ چیز
هم اکنون تنها در پایتخت ده ها و صد ها هزار نفر گدا و ده ها
هزار روسپی و دروغ بی پروه هزاران اماکن فساد و شیوه کشی
و افسوس و ترس و هراس و هزار نوع فساد وجود دارد. با اینحال
روزنامه های معنوی احال نوشته بودند و در رادیو تلوویزیون هم
گفته شد که گویا مسکت ما از لحاظ اقتصادی از زاین و از لحاظ
اجتماعی از سوشالی تر است. ایران تهران فقط بهشت
جنایتکاران است. برای بقیه جهنی است سوزان و اما هو و
چنیال زیاد است. شنوویا ورمکن...

از نامه دوم

... روزنامه های ایران پر است از چرن دیات پرریز و
دیگران. البته - بین شك خودش یا خودشان هم میدانند که
بسیار چرند میگردند. غیر از تف و لعنت چیزی نصیبشان نخواهد
شد چون مردم بیزیر جوانان گول اینگونه چرن دیات را نخواهند
خورند چون گفته بشان با واقعیات مطابقت ندارد. یا قبول
خورده اند یا عمداً میخواهند همه را گول بزنند. بهرحال
اینگونه اشخاص حتی در نظر مخالفین هم ارج و منزلتی ندارند
و آدمکهای پست می ارزنی میباشند...

سرود روستا

...
چو حورشید رستخیز
کند جلوه در افق
چو این کهنه روستا
شود پایگاه خلق
چو زمین کهنه روستا
برآید سیاه خلق
از بین جلوهگاه غم
از این چشمه سار رنج
پد پد آید آتشی
شایان چو آدرخش
در چشمان چو آفتاب
به نوفندگی چو میخ
به تابندگی چو تیغ
بوزر بنا ی چور
سرور شمر ارزم
فرارزد درفش سرخ
کشاورز روستا
به پیگرد رنجبر
سرد آزما شود
در سیلاب پیشتاز
غم آهنک وهم نور
هم آوار هم نبرد
یکی پتک آهنین
به ست از بی ستیز
یکی تیغ جوهرین
بگف بهر رستخیز
از این غول پاگلین
نماند نشانه ای
وزین بی سر کافدی
به گهنامه جهان
بماند فسانه ای

"واصف" باختی (شاعر افغانی)

حبرنگار "واشننگن استار" مینویسد: "پادشاه ایران
در عملی کردن اصلاحات ارضی نه تنها سر نوشت آینده این
کشور شاهنشاهی وسیع را ۰۰۰ تعیین میکند بلکه سر نوشت
آینده جهان آزاد را نیز در شوق میانه تعیین مینماید."

(کیهان ۱۳ آبان ۱۳۴۷)

"امریکاییها اظهار نظر کرده اند که پشتیبان لایحه جریه
تقسیم املک هستند."

"یکی از برنامه های اساسی دولت امینی که مورد نظر
امریکاییهاست و یکی از عوامل موثر در پشتیبانی آنها از حکومت
فعلی بشمار میرود برنامه "اصلاحات ارضی" است."

"دکتر امینی ناچار در زیر فشار افکار عمومی و ضرورت
زمانی و مکانی کشور و چاره اندیشی کشورهای دوست ایران
یا کشورهای که در هر صورت نمیخواهند در ایران یک رژیم
کمونیستی و "دموکراتیک" توده ای "برقرار شود میخواهد قدم
بسیار کوچکی اما مفید و بسیار لازمی در این راه بردارد."

(خواندن آنها ۳۰ بهمن ۱۳۴۰)

"جنرال وولز مشاور ویژه کندی گفت: واکنش محافظان
واشننگن نسبت به برنامه اصلاحات ارضی ایران "خیلی خوب"
است."

(کیهان ۲۱ بهمن ۱۳۴۰)

پدر صله پس از مسافرت بولینگ معاون وزارت خارجه
امریکا بنهرن لایحه اصلاحات ارضی حاضر و حتی تصویب شد.
۲۰ میلیون دلار بقیه کمک امریکا هم پرداخت گردید.

(تهران اکونومیست ۲۳ دی ۱۳۴۰)

"اقدام دکتر اوسنجانی درباره اصلاحات ارضی در
امریکا حسی مورد توجه قرار گرفته..."

(خواندن آنها ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۱)

از نامه کندی به شاه: پیروزی آن اعلیحضرت را در فراموشی
ندم تاریخی روز شنبه گذشته (۱۶ بهمن) صمیمانه تبریک میگویم."

(باشاد ۱۴ بهمن ۱۳۴۱)

این رقم "یک پیشرفتی است که میلیون ها دهقان
حرف من اینک: چرا کوشش و زحمت از ماست
حاصلش از دگران؟

این جهان یکسره از فعله و دهقان بریاست
نه که از مفتخوران

لاهوئی

عامل ظالم به سنان قلم

دزدی با تیر و کمان میکند

آنکه زیان میرسد از وی بخلق

فهم ندارد که زیان میکند

سعدی

نظر گرفتن "ارضی" (و این مبلغ بسیار سنگین است و با سنگینی
مزارعه بر سر میکند - توفان)

(کتابچه "بمناسبت هفتمین سالگرد انقلاب شاه و مردم"
تهیه شده در مرکز تدارک و اطلاعات - بهمن ۱۳۴۸)

صورتی از املک تیمور بختیار پس از اجرای قانون
اصلاحات ارضی (املک مذکور بعداً بعلت وجود تضاد بین

شاه و بختیار صادره شد. ولی جالب توجه است که املک مذکور
چون هیچیک شتر دانگ نیست مشمول قانون اصلاحات

ارضی گردیده است. مسلماً مالکانی نظیر تیمور بختیار بسیار
زیادند: ۱- سه دانگ از قریه نرک در بختیاری، ۲- سه

دانگ از قریه "بوزنجان" در بختیاری، ۳- یک دانگ و نیم از قریه
خشویه در رنجان بختیاری، ۴- یک دانگ و نیم از قریه "سکا

در بختیاری، ۵- سه دانگ از قریه "پزندگان" در بختیاری،
۶- یک دانگ و نیم از قریه "بتوند" در خوزستان، ۷- یک دانگ

و سه چهارم دانگ در کردکوی گرگان، ۸- چهار دانگ از قریه
انارمر در گرگان، ۹- سه دانگ از قریه "اردل" در بختیاری،

۱۰- سه دانگ و سه حبه از قریه "اورگان" در بختیاری، ۱۱-
شتر دانگ و داغ و بالابند در گلیانگان اصفهان، ۱۲- یک باب

باغ با ساختمان در تهران معروف به باغ تاج، ۱۳- یک باب
باغ در تهران پارس، ۱۴- یک باب باغ در الهیه شمیران،

۱۵- یک باب باغ مساحت ۱ هزار متر در راسر...

(کیهان ۲ تیر ۱۳۴۸)